

کارآفرینی کودک، حلقه مفقوده اکوسیستم کارآفرینی



♦ سلیمه قنبری
عضو هیئت‌علمی مجتمع آموزش عالی بم

که با همه این عامل‌ها به روش پویا و باز پیوند دارد. چنین اکوسیستمی شامل صدها عنصر است که می‌توانند در شش قلمرو اصلی گروه‌بندی شوند:

- ۱) بازار (مشتری‌های اولیه و شبکه‌هایی همچون شبکه‌های کارآفرینی و شرکت‌های بین‌المللی)،
- ۲) سیاست (شیوه‌های رهبری مستحکم و پشتیبانی از ساختارهای دولت در چارچوب نهادها؛ چارچوب مقرراتی مشوق‌ها و قانون‌گذاری سرمایه‌پسند)،
- ۳) سرمایه مالی (وام‌های خرد، تأمین بودجه سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و فرشته‌گان سرمایه‌گذاری)،
- ۴) فرهنگ (موفقیت‌های قابل مشاهده، تحمل ریسک و شکست و موقعیت اجتماعی کارآفرینان)،



مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ ۲۰۱۱

مطالعات مختلف در کشورها و اقتصادهای متعدد مشخص کرده که توسعه اقتصاد هر منطقه در سطح کلان تحت تأثیر نظام کارآفرینی آن منطقه است. توسعه کارآفرینی نیازمند آمادگی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، همکاری نظام‌های آموزشی، ساختارهای اداری و مالی و سایر ساز و کارهای حمایتی می‌باشد. لذا توسعه کارآفرینی در کشور مستلزم نگاه سیستمی مسئولان به کارآفرینی می‌باشد، به‌طوری که عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مقرراتی مرتبط با کارآفرینی را به‌طور همزمان مورد توجه قرار داده و در تدوین سیاست‌های توسعه کارآفرینی همه ابعاد را مورد نظر قرار دهند؛ بنابراین توسعه کارآفرینی نیازمند شبکه‌ای از عناصر مختلف است که شناسایی مجموعه این شاخص‌ها و آثار آن‌ها به‌عنوان ابعاد اکوسیستم کارآفرینانه برای توسعه پایدار فعالیت‌های کارآفرینی اهمیت بالایی دارد. اکوسیستم‌ها مجموعه‌ای از دورنماهای فرهنگی متمرکز، شبکه‌های اجتماعی، حمایت مالی، دانشگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی فعالی هستند که محیط‌های حمایتی از کسب‌وکار مخاطره‌آمیز مبتنی بر نوآوری را خلق می‌کنند و در حوزه کارآفرینی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اکوسیستم کارآفرینی روش جدیدی برای تفکر و اقدام جهت توسعه کارآفرینی می‌باشد، به‌طوری که تمام سیستم‌های ضروری در توسعه کارآفرینی و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. اکوسیستم کارآفرینی به عناصر، افراد، سازمان‌ها یا مؤسساتی اشاره دارد که می‌توانند به‌عنوان محرک یا مانعی در جهت کارآفرین شدن افراد عمل کنند. اکوسیستم کارآفرینی محیطی را ایجاد می‌کند که تلاش‌های کارآفرینانه را تشویق کند. بر پایه تجربیات چندین منطقه آمریکا، بیشتر تعاریف توافق دارند که اکوسیستم کارآفرینی شامل مجموعه‌ای از عوامل مختلف به هم وابسته در درون یک ناحیه خاص است که حداقل در برگیرنده آن، عناصری چون دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی، منابع انسانی واجد شرایط، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، دولت‌ها، سرمایه‌گذاران، ارائه‌دهندگان خدمات حرفه‌ای و فرهنگ کارآفرینی می‌باشند

۵ درصد از
کودکان در دوران
پیش از دبستان
و ۳ درصد از
دانش‌آموزان
راهنمایی
ویژگی‌های
کارآفرینانه مثل
ریسک‌پذیری را
نشان می‌دهند.
یک تفاوت عمده
بین آموزش
کارآفرینی به
بزرگسالان و
کودکان وجود
دارد و آن هم
این است که این
آموزش در وجود
کودکان نهادینه
می‌شود و باعث
می‌شود که اثرات
این آموزش در
طول زندگی فرد
در ذهن او باقی
بماند



است. آیزنبرگ معتقد است که اکوسیستم کارآفرینی نسبتاً خود نگهدارنده است. زیرا موفقیت، موفقیت به وجود می‌آورد. زمانی که هر شش قلمرو اکوسیستم ارتقاء یابند، به‌طور متقابل همدیگر را تقویت می‌کنند. در اثر ویژگی‌هایی همچون همگنی، تعادل و سینرژیک است که اکوسیستم می‌تواند کارآفرینان موفق را ارائه دهد.

کارآفرینان، قلب یک اکوسیستم کارآفرینی موفق هستند؛ بنابراین توسعه کارآفرینی نیازمند فراهم‌سازی زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و از طرفی همکاری نظام‌های آموزشی با ساختارهای اداری و مالی و سایر ساز و کارهای حمایتی می‌باشد. نظام آموزشی مسئول پرورش نسلی توانمند و کارآفرین است که این نسل متضمن رشد و توسعه هر جامعه‌ای می‌باشد؛ بنابراین توجه و اهمیت سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از ابعاد اکوسیستم کارآفرینی بیش از پیش مطرح می‌شود.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی تأمین‌کننده دو منبع اصلی برای اکوسیستم‌های کارآفرینانه هستند. در واقع دانشگاه همزمان که به توسعه سرمایه انسانی یک منطقه کمک می‌کند، فضای ذهنی کارآفرینانه در دانشجویان را پرورش می‌دهد و آن‌ها را به راه‌اندازی کسب و کار مخاطره‌آمیز جدید یا کار در درون آن‌ها تشویق می‌کند. هرچند فعالیت‌های مرتبط با آموزش‌های کارآفرینی در حال انجام است، اما تا حدود زیادی در جنب سایر فعالیت‌ها در حال اجراست. تجربه دانشگاه‌های شریف، تهران و پارک‌های علم و فناوری

(۵) حمایت‌ها (زیرساخت‌ها، حمایت‌های حرفه‌ای همچون قانونی و حسابداری و سازمان‌های غیردولتی)،

(۶) سرمایه انسانی (مؤسسات آموزشی و نیروی کار).

اکوسیستم‌ها معمولاً نتیجه‌ای از تکامل هوشمندانه هستند و با وجود پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر ایجاد شده است، برخی از عناصر اکوسیستم کارآفرینی، هنوز توسعه نیافته‌اند، پیوندهای حیاتی خاصی فراموش شده‌اند و بعضی عوامل کلیدی هنوز غایب هستند. در صورتی که برای ایجاد و توسعه کارآفرینی، باید بسیاری از عناصر اکوسیستم را به‌طور همزمان مد نظر قرار داد. عملکرد یک سیستم آشکارا به عملکرد اجزایش وابسته است، اما یک جنبه مهم، چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر برای تأثیرگذاری بر عملکرد سیستم کلی است. هم‌افزایی به معنی افزایش توانایی اجزای سیستم است که چنین افزایشی در توانایی تنها زمانی روی می‌دهد که اجزا در کنار یکدیگر بتوانند ارزشی را ایجاد کنند که به‌تنهایی قادر به خلق آن نباشند. پس به جرأت می‌توان گفت کارآفرینی برای خود متکی بودن، نیازمند اکوسیستم است و اکوسیستم نیازمند مجاورت است، به‌طوری که ابعاد مختلف بتوانند با همدیگر رشد کنند و متقابلاً تقویت شوند. اگر هر کدام از این حلقه‌های زنجیر ضعیف یا وجود نداشته باشد، تمام سیستم رنج می‌برد و اکوسیستم نمی‌تواند در توانمندسازی کارآفرینان مؤثر باشد. همان‌طور که آیزنبرگ بحث می‌کند چیزی که واقعاً انقلاب کارآفرینی را به وجود می‌آورد، رهیافت جامع‌نگر به توسعه کارآفرینی

نیست. در واقع آموزش کارآفرینی برای کودکان، متفاوت با آموزش کسب‌وکار سنتی است و به موضوعاتی از قبیل خلاقیت، نوآوری و مانند آن می‌پردازد. سنین کودکی زمان مناسب برای یادگیری دانش و مهارت کارآفرینی (در معنای اقدام به کارآفرینی به صورت جدی و واقعی) نمی‌باشد، بلکه زمان بسیار مناسبی برای ایجاد و توسعه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در کودکان می‌باشد.

بنابراین آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی باید متمرکز بر توسعه قابلیت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌ها، همچنین آگاهی از خوداشتغالی و مسیر زندگی کارآفرینانه باشد. صفاتی از قبیل انگیزه دستیابی به موفقیت، تمایل به خوداتکایی، خلاقیت و نوآوری، گرایش شدید به پیش قدمی، ریسک‌پذیری، فرصت‌یابی، هدف‌گذاری، خودآگاهی، تسلط بر رفتار و پافشاری و مقاومت در انجام کار از جمله خصوصیات است که باید از دوران کودکی در افراد پرورش داده شود. آموزش‌های کارآفرینی در سنین ابتدایی تحصیلی سبب تشویق افراد به فعالیت کارآفرینانه در آینده شده و بر نگرش دانش‌آموزان اثر دارد و از طرفی تأثیر مستقیمی بر آینده شغلی و موفقیت آن‌ها در بزرگسالی دارد. در کشور سوئد و نروژ این آموزش‌ها سبب شده نرخ ایجاد کسب‌وکار توسط دانش‌آموزان در سال‌های بعد به ترتیب ۹ و ۱۰ درصد باشد. مشارکت در برنامه‌های آموزش کارآفرینی با افزایش انگیزه کارآفرینی، احتمال کارآفرین شدن افراد در بلندمدت را افزایش می‌دهد.

بنابراین ترویج فرهنگ کارآفرینی و زمینه‌سازی برای آن یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای اکوسیستم کارآفرینی هر کشور است. همان‌طور که چشم‌انداز ۲۰ ساله، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش بر این مفهوم اساسی تأکید دارند که با مدارس سنتی نمی‌توان دانش‌آموختگان را برای زندگی فردا آماده نمود، اما علی‌رغم تأکید بندهای سند تحول بنیادین نظام آموزش‌وپرورش و سند برنامه ملی درسی بر مفاهیم خلاقیت و نوآوری، آشنایی با مشاغل در جامعه، خودآگاهی و اعتمادبه‌نفس، آشنایی با کارآفرینی و کسب‌وکارها، برنامه‌های درسی با استفاده از الگوی موضوع‌محوری انجام می‌شود و اثری از شغل محور بودن و حتی مفاهیمی چون خلاقیت و نوآوری که زیربنای کارآفرینی است دیده نمی‌شود. کودکان نسل جدید به‌عنوان سرمایه انسانی آینده اکوسیستم کارآفرینی به دنبال یک شغل با درآمد ثابت نیستند؛ آن‌ها به دنبال متحول کردن دنیا هستند. پس با آموزش صحیح کارآفرینی به کودکان می‌توانیم آن‌ها را در مسیر درستی از کارآفرینی و توسعه اکوسیستم قرار دهیم. برنامه‌های آموزش

نشان‌دهنده آن است که دانشگاه‌ها در حال انجام وظایف جاری خود هستند و در کنار آن، کارآفرینی را نیز دنبال می‌کنند. در آموزش‌وپرورش نیز فعالیت‌هایی مانند تدریس کتاب کارآفرینی در هنرستان‌ها اضافه شده است.

متأسفانه بیشتر مطالعات صورت گرفته و کارهای انجام شده در خصوص آموزش و ترویج کارآفرینی در سطح دانشگاه و یا سطوح متوسطه است و علی‌رغم اهمیت آموزش کارآفرینی در مقطع دبستان و پیش از دبستان، اندکی از تحقیقات، آموزش کارآفرینی را به‌عنوان یک ضرورت در سنین ابتدایی مطرح کرده‌اند. کودکان سهم چشم‌گیری در دنیای امروز دارند و نقش مهمی در رشد و پیشرفت خود و همچنین توسعه جوامع ایفا می‌کنند (یونیسف، ۲۰۰۷). دوران کودکی نقشی حساس و تعیین‌کننده در زندگی انسان دارد. توجه به این دوران تا آنجاست که روانشناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت دوران کودکی را غالباً به‌عنوان برجسته‌ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان دانسته‌اند. داروین در این باره معتقد است که رشد و تحول هر فرد، مدل کوچک تکامل کل آن‌گونه در طی تاریخ است.

کنت در کتاب «آگاهی بخشی: اساس آموزش کارآفرینی» آموزش کارآفرینی را به سه بخش زمانی تقسیم‌بندی کرده که در دوره پیش از دبستان و دبستان، دانش‌آموزان به یک آگاهی کلی از کارآفرینی دست می‌یابند، سپس در اوایل متوسطه در آن‌ها انگیزه کارآفرینی ایجاد می‌شود و بعد از آن در اواخر دوره متوسطه دانش‌آموزان مهارت‌های کارآفرینی را تقریباً به‌طور کامل کسب می‌کنند. کارآفرینی فرآیندی اکتسابی است که یک‌باره و ناگهان در ذهن کسی ایجاد نمی‌گردد، بلکه نتیجه فرآیندی است که باید از ابتدای کودکی آغاز گشته و به‌تدریج در دوره‌های بالاتر تکمیل شود و بهترین زمان برای آموزش مهارت‌های مختلف کارآفرینی همان دوران آموزش‌های اولیه در مدرسه و قبل از آن است که این آموزش‌ها اثر دائمی بر شخصیت فرد به جای می‌گذارد. در نتیجه آموزش عناصر و صفات کارآفرینی در این دوران می‌تواند آسان‌تر و سریع‌تر صورت گیرد و به‌طور پایداری‌تری پروراند شود. ۲۵ درصد از کودکان در دوران پیش از دبستان و ۳ درصد از دانش‌آموزان راهنمایی ویژگی‌های کارآفرینانه مثل ریسک‌پذیری را نشان می‌دهند. یک تفاوت عمده بین آموزش کارآفرینی به بزرگسالان و کودکان وجود دارد و آن هم این است که این آموزش در وجود کودکان نهادینه می‌شود و باعث می‌شود که اثرات این آموزش در طول زندگی فرد در ذهن او باقی بماند؛ بنابراین نقش نظام آموزشی از سطوح ابتدایی در پرورش کارآفرینان پرنگ‌تر می‌شود. آموزش کارآفرینی به کودکان، آموزش کسب‌وکار

مطالعات بسیار
اندکی در حوزه
آموزش کارآفرینی
کودکان در ایران
صورت گرفته
است که اکثراً بر
ضرورت آموزش
کارآفرینی در این
مقطع تحصیلی
تأکید داشته
است و در حوزه
عمل نیز تعداد
بسیار محدودی
مؤسسه
فعال مرتبط
با آموزش‌های
کارآفرینی برای
کودکان با فعالیت
محدود وجود
دارند.

شورای عالی آموزش و پرورش.

- Bahmani, N., Arasti, Z., & Hosseini, S. R. (2020). Comparative study of entrepreneurship education in elementary school in selected countries and presenting a model for Iran
- European Commission. (2012). The 2012 ageing report: Underlying assumptions and projection methodologies
- Forfas, F. (2009). Entrepreneurial Ecosystem: South West Ireland, rethinking entrepreneurship. Baseline Data and Analysis, South West Ireland. Dublin. 26 p
- Heinonen, J., & Poikkijoki, S. A. (2006). An entrepreneurial directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?. Journal of management development
- Isenberg, D. J. (2010). The big Idea: How to start an entrepreneurial revolution, Harvard Business Review, 88(6), 40-50
- Isenberg, D. J. (2011). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: principles for cultivating entrepreneurship. Presentation at the Institute of International and European Affairs, Dublin, 12 May
- Kourilsky, M. L. (1995). Entrepreneurship Education: Opportunity in Search of Curriculum
- Pao, A. D., & Palinhos, M. J. (2011). Teaching entrepreneurship to children: a case study. Journal of Vocational Education & Training, 63(4), 593-608
- Rasheed, H. S., & Rasheed, B. Y. (2003). Developing entrepreneurial characteristics in minority youth: The effects of education and enterprise experience. In Ethnic entrepreneurship: Structure and process. Emerald Group Publishing Limited
- Regele, M.D., and Neck, H.M. 2012. Entrepreneurship education sub-ecosystem in the United States: opportunities to increase entrepreneurial activity. Babson College, USASBE, 52-69p, Training, 63(4), 593-608
- UNICEF. Adolescents and Civil Engagement: Social Entrepreneurship and Young People. (2007). United Nations Children's Fund. New York
- https://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2011/ee4_en.htm

کارآفرینی بیشتر در مقطع آموزش عالی دنبال می‌شود و آموزش کارآفرینی کودکان چه در حوزه پژوهش و چه در حوزه عمل مورد غفلت واقع شده است. مطالعات بسیار اندکی در حوزه آموزش کارآفرینی کودکان در ایران صورت گرفته است که اکثراً بر ضرورت آموزش کارآفرینی در این مقطع تحصیلی تأکید داشته است و در حوزه عمل نیز تعداد بسیار محدودی مؤسسه فعال مرتبط با آموزش‌های کارآفرینی برای کودکان با فعالیت محدود وجود دارند؛ بنابراین بررسی رویکردهای آموزش کارآفرینی کودکان در کشورهای پیشرو و طراحی برنامه درسی کارآفرینی متناسب با کودکان پیش-دبستانی و دبستان در این حوزه به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر اکوسیستم کارآفرینی و شاید یکی از مهم‌ترین بنیان‌های این اکوسیستم، می‌تواند کمک بزرگی به تعیین رویکرد مناسب در این زمینه در کشور باشد. ♦♦

منابع:

- اوبلاسی، آناهیتا و سید داوود حسینی نسب، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر آموزش روش مونته سوری بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی ۴ و ۵ ساله شهر تبریز، سال هفتم، شماره ۲۸.
- برنامه ملی درسی، (۱۳۹۱)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- حاج آقای، حنیف، خلخالی، علی، (۲۰۱۹). پیش اکوسیستم کارآفرینی در مدارس ایران، مدیریت مدرسه، (۲)۷، ۱۶۶-۱۹۰.
- داوری، سفیدبری، باقرصاد، وجیه، (۲۰۱۷)، عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، (۱)۱۰، ۱۰۱-۱۲۰.
- سبزه، بتول، (۲۰۱۵). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مریبان، مطالعات پیش دبستان و دبستان، (۱)۱، ۱۴۰-۱۶۰.
- عزیز، صفاری‌نیا، علی پور، زعفریان، (۲۰۱۹)، تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر مؤلفه‌های خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان پیش دبستانی، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، (۲)۱۲، ۲۶۱-۲۸۰.
- قمبرعلی، رضوان، آگهی، حسین، علی بیگی، زرافشانی، (۲۰۱۴)، راهبرد اکوسیستم کارآفرینی: پارادایم جدید توسعه کارآفرینی، کارآفرینی در کشاورزی، (۳)۱، ۳۱-۳۸.
- قنبری، س، (۱۳۹۲)، شناسایی شاخص‌های ارزیابی آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی، تهران: دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
- مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه

آموزش‌های

کارآفرینی در سنین

ابتدایی تحصیلی

سبب تشویق

افراد به فعالیت

کارآفرینانه در آینده

شده و برنگرش

دانش‌آموزان اثر

دارد و از طرفی

تأثیر مستقیمی

بر آینده شغلی و

موفقیت آن‌ها در

بزرگسالی دارد.